



گفتاری از آیت... سید جعفر سیدان درباره سجایای اخلاقی میرزا عالم به زمان خود بود



انسان در دوران زندگی و در ارتباط با خلقتش دو سیر و حرکت دارد؛ یک سیر و حرکت اجباری که جبر تشکیلات خلقت و برنامه‌هایی که حضرت حق اراده فرموده است، عواملی را طی کردیم و عواملی را طی خواهیم کرد. این آمدورقتمان در این عوامل مختلف و بسیاری از خصوصیات زندگی مان به جبر محض و تشکیلات خلقت انجام گرفته است و می‌گیرد.

«منها خلقنا کم و فیها نعید کم و منها نخرجکم تارة اخری» یعنی ما شمارا هم از این خاک آفریدیم و هم به این خاک بازمی‌گردانیم و هم بار دیگر روز قیامت از این خاک بیرون می‌آوریم. در قبال این سیر اجباری سیری اختیاری داریم که خداوند متعال امتیازی به انسان عنایت فرموده است بسیار مهم و آن اختیار است در جهت رشد و تکامل و در جهت انحطاط و پستی.

اگر زندگی آیت... میرزا جواد آقا تهرانی بررسی شود، به خوبی احساس می‌شود که وی از شخصیت‌های نمونه و بارزی است که باید سرمشق برای جوامع علمی و قشرهای مختلف از جوامع انسانی باشد. از ابعاد فراوانی که در شخصیت آیت... میرزا جواد آقا تهرانی وجود دارد، این است که شخصیت ایشان شکل گرفته از تعقل جدی در دو ثقل گران بهای کتاب و عترت است.

یکی از خصوصیات مرحوم آیت... میرزا جواد آقا تهرانی این بود که سعی می‌کرد در هر موضوعی که مورد ابتلاست، در حدی که می‌سور باشد تلاش کند؛ مثلاً وقتی که بحث بهاییت مورد ابتلا شد، «بهایی چه می‌گوید؟» را نوشت یا وقتی که در مسائل اخلاقی احساس نیاز شد، «آیین زندگی و درس‌های اخلاق اسلامی» را تألیف کرد.

در مسائل علمی هم سعی ایشان بر این بود که آنچه را مورد ابتلاست، مدنظر قرار دهد. وقتی که احساس کرد به مسائل قرآن و بحث‌های قرآنی نیاز است، درس تفسیر را مطرح کرد. وقتی مسائل مادگیری و گروه‌های انحرافی مطرح شد، برای پاسخ دادن به آن‌ها کتاب نوشت. همین‌طور درباره مسائل مهم و مطرح کلامی، فلسفی و عرفانی، کتاب «میزان المطالب» و «عارف و صوفی چه می‌گویند؟» و «بحثی در فلسفه بشری و اسلامی» را تألیف کرد و باید گفت با خلطی که در معارف و حیانی از افکار فلاسفه بشری شده است، بیشترین تلاش ایشان در جهت تبیین معارف و حیانی بر اساس تعقل در وحی و جداسازی از افکار بشری و ابطال گفته‌های فلاسفه یونان و عرفای قبل از اسلام و پیروان آن‌ها صورت گرفته است.

این امتیاز بزرگی است که انسان هر وقتی که احساس می‌کند بین خودش و خدا مسئولیت دارد، اقدام کند. ایشان در کارهای اجتماعی هم این‌طور بود. یاد می‌آید که در دوران نهضت ملی و آن اوضاع و احوال احساس کرد که باید آن حرکت ملی را تقویت کند.

نمونه‌ای از احساس مسئولیت و فعالیت‌های ایشان در ارتباط با جبهه و جنگ بود. بارها در جبهه شرکت کرد و در شرایط سختی که بود، باز هم این مسئولیت را انجام داد و وقتی احساس لزوم شرکت در جنگ را تشخیص می‌داد، در آن شرکت می‌کرد.

روش ایشان در رشته‌های علمی و مسائل اخلاقی، آموزنده بود. از یک دقت و عمق برخوردار بود و در رد مطالب و ایجاد اشکال نیز مسائل اخلاقی، انسانی و اسلامی را رعایت می‌کرد. مسلکش این بود که مسائل بر اساس قرآن و عترت

بررسی شود، قرآن و عترت، میزان باشد. خاطر می‌آید که یک روز صبح قبل از آفتاب به من زنگ زد و گفت: می‌خواستم به شما بشارت بدهم که در مسئله معاد جسمانی، به معنایی که ما مدعی هستیم و بزرگان مدعی هستند، مرحوم میرزا احمد آشتیانی در کتاب «لوامع الحقایق» مسائلی را مطرح کرده و فرموده که این معاد عنصری، خاکی، نه تنها ضرورت اسلام است، بلکه ضرورت تمام ادیان الهی است. خواستم این را بگویم که خوش حال شوی. اتفاقاً یکی از شاگردان آقای آشتیانی مطلب را به من نشان داده بود؛ ولی چیزی به ایشان نگفتم. موضوع مهم این است که وقتی مطلبی را می‌دید و به نظرش جدید و مفید بود، سعی می‌کرد آن را بازگو کند.

به هر حال در نظر استاد، انس جدی با قرآن و حدیث و ادعیه از چیزهایی است که خیلی اثرگذار است و فضای زندگی افراد را عوض می‌کند، همان‌طور که قرآن می‌فرماید: «یخرجهم من الظلمات الی النور»، کسی که این انس را پیدا کند، طبیعی است که همت و تلاش می‌کند و از خدا استمداد می‌طلبد، خدا هم کمک می‌کند.

به نظر من اگر خواسته باشیم حوزه‌ها در این جهت موفق باشند، باید در دو جهت مهم که در این خصوص کاملاً نقش دارد، تلاش کرد: یکی انس با قرآن و حدیث و دیگری مراد به با شخصیت‌هایی که بحق خالص و پاکیزه هستند. آشنایی و انس با چنین بزرگانی بسیار مؤثر است. اگر برنامه درس اخلاق باشد، خواه ناخواه کسانی که یک چنین افرادی را می‌بینند، خوبی این‌ها، فطرت هر انسانی را که به خوبی علاقه دارد، جذب می‌کند. میرزا جواد آقا تهرانی یکی از این عالمان مهذب و خالص بود.

گفتاری از رمضانعلی شاکری که سال‌ها ارتباطی نزدیک با آیت... تهرانی داشته است ذکر جمیل میرزا

مرحوم رمضانعلی شاکری، رئیس اسبق کتابخانه فرهنگ و هنر مشهد و کتابخانه آستان قدس رضوی، یکی از شخصیت‌های شناخته شده فرهنگی مشهد بود. او مراد به‌های بسیاری با شخصیت‌های علمی و معنوی مشهد و کشور داشته است. یکی از کسانی که او سال‌ها از حضورش بهره برده بود، مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی بوده است. این گفتار مربوط به پیش از درگذشت استاد شاکری است.

این جانب به توفیق و عنایت باری تعالی از سال‌های ۱۳۳۰ خورشیدی در بیشتر مجالس عمومی و خصوصی از بیانات ایشان و مواعظ اخلاقی و ارشادها و در مواردی از جلسه تفسیر و درس حدیث که مدتی شاید متجاوز از دو سال، هفته‌ای یک شب-شب‌های شنبه- از محضرشان بهره بردم.

به نقل موثق در یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان وقتی نزدیک سحر گویا از مجلسی مرحوم میرزا به منزل مراجعت می‌کرد، متوجه می‌شود چراغ‌های خانه خاموش است و این دلیل بر خواب و استراحت خانواده ایشان بود و چون هنوز به وقت سحر و بیداری زمانی مانده است، فکر می‌کند اگر در منزل را بزند، ممکن است از خواب و استراحت بیفتند. در نتیجه نزدیک در حیاط که در کوچه فرقانی واقع در بازار سرشور بوده است، می‌نشیند و منتظر بیدار شدن خانواده می‌شود. در این موقع گویا آقای فرقانی که وکیل دادگستری بود، وارد کوچه می‌شود و می‌بیند که میرزا جواد آقا مقابل در حیاط نشسته است. علت را سؤال

می‌کند و آقا می‌فرماید منتظر بیدار شدن خانواده هستم تا در منزل را بزنم و وارد منزل شوم. این عمل نشان دهنده نهایت رعایت حال و احوال خانواده‌شان است که مزاحم آنان نباشد.

در مورد کتاب‌ها و آثار مرحوم دکتر علی شریعتی که برخی از آقایان مطالعه آن را مضر و بلکه گمراه‌کننده می‌دانستند، من نمی‌دانستم که کتاب‌های آن مرحوم را در اختیار مراجعان

و طالبان قرار دهم یا نه! در آن زمان که مرحوم دکتر شریعتی در قید حیات بود، شاید حدود پانزده سال قبل، روزی خدمت آیت... میرزا جواد آقا رسیدیم و چون دیدم آقای روحانی خدمتشان بود، حرفی نزدیم. نیم‌ساعتی گذشت آن آقای روحانی نرفت، ناگریز در حضور

وی به میرزا جواد آقا سؤال خود را مطرح کردم بدین مضمون که آیا من کتابدار می‌توانم کتاب‌های دکتر شریعتی را به درخواست کنندگان آثار وی برای مطالعه

بدهم؟ بزیر اعاده‌ای هستند کتاب‌های ایشان را بهترین و وارزنده‌ترین اثر اعتقادی می‌دانند و گروهی او را ضال و مضل می‌دانند. تکلیف من چیست؟ در این موقع آن مرد روحانی که خودش را به نام آخوندی، مدیر دارالکتب اسلامیته تهران معرفی کرد، فرمود: حال که این آقایان سؤال را مطرح کردند، فی الواقع من از تهران به مشهد مشرف شده‌ام، یک هدف این بود که خدمتتان برسم و از نظر حضرت عالی در این مورد نیز استفاده کنم. مرحوم

میرزا فرمود: بیشتر کتاب‌های دکتر را مطالعه کرده‌ام، از جمله کتاب «اسلام شناسی» او را. فوری حرکت کرد و کتاب «اسلام شناسی» را از قفسه بیرون آورد و فرمود: آنچه را اشکال دیده‌ام، نشانی گذاشته و به ابوی محترمشان استاد محمد تقی شریعتی با تلفن مراتب اشتباهات و اشکالات کتاب را تذکر دادم و پدر ایشان فرمود:



روزی با علی خدمت می‌رسیم. روزی همراه دکتر تشریف آوردند منزل و اشکالات طرح شد و ایشان پذیرفتند و قرار شد در چاپ دوم اصلاح شود. بعد از مدتی که چاپ مجدد رسید، دیدم اشکالات کتاب تصحیح نشده است و من با تلفن مراتب را به پدر آن مرحوم تذکر دادم. فرمودند قضیه از این قرار است که وقتی دکتر اشکالات را برای شرکت انتشارات تهران فرستاد تا در چاپ مجدد اصلاح کنند، آقای محبوب مدیر عامل شرکت انتشارات اظهار کرد خیلی معذرت می‌خواهیم، زیرا چون کتاب در بازار نایاب شده است و برای تجدید چاپ آن مکرر مراجعه می‌کردند، قبلاً چاپ و انتشار دادیم و از این بابت خیلی ناراحت شده بود. در باب سایر کتاب‌های ایشان هم که بررسی کردم، فی الواقع دکتر شریعتی در کتاب‌هایش غرض سوء یا سوءنیتی در باره دین و اسلام ندارد و صرفاً نظرش را از دیدگاه جامعه‌شناسی مطرح کرده است، آن هم تحت عنوان نظر، نه واقع امر. بنابراین کتاب‌های ایشان برای جامعه اسلامی یک رساله عملیه اعتقادی نیست، بلکه یک نظریه جامعه‌شناسی دینی است و طرفداران سرسخت ایشان که در باب او غلو می‌کنند یا مخالفان وی که در باب آثارش نظر بدبینانه دارند و کتاب‌های آن مرحوم را جزو کتاب‌های ضاله می‌دانند، هر دو گروه اشتباه می‌کنند. در نتیجه کتاب‌های مرحوم شریعتی را نمی‌توان به هر جوان نوپای دبیرستانی برای مطالعه داد که ممکن است اشتباه فکر کند، ولی برای افرادی که از نظر فهم و سواد اطمینان داشته باشید، مطالعه آن مانعی ندارد.